

# علم أصول الفقه

١٨-١١-٩٠ مبادئ مختص تصديقي ٤٦

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- د. تحلیل عقلانی وحی: طریقی که می‌تواند امکان ذاتی خطا در وحی را اثبات نماید، از راه تحلیل و بررسی خود وحی به دست می‌آید. واقعاً خود وحی چیست؟ در هنگام وحی چه اتفاقی می‌افتد؟ برای پاسخ به این سؤال باید مقدمه‌ای را که در علوم دیگر همچون منطق مطرح شده و بحث ما بر آن توقف دارد، به صورت خلاصه بیان نماییم:

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- می‌دانیم علم به دو قسم حضوری و حصولی تقسیم می‌شود. در علم حصولی صورتی از شیء و در علم حضوری خود معلوم نزد عالم حاضر است. خطا در علم حصولی امکان دارد؛ چرا که ممکن است صورت حاضر در نزد عالم بر صاحب صورت منطبق باشد و ممکن است منطبق نباشد. در صورت اول قضیه صادق و در صورت دوم قضیه کاذب خواهد بود. در واقع در علم حصولی یک حاکی وجود دارد و یک محکی؛ یک صورت و یک صاحب صورت و از آنجا که دوئیت وجود دارد، بحث تطابق و عدم تطابق معنادار است.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- امکان تطابق و عدم آن، حتی نسبت به قضایایی که یقیناً صادق و یا یقیناً کاذبند، نیز وجود دارد. چرا که در آنجا هم به هر حال دوئیت متصور است. از این رو، در تعریف خبر می‌گوییم: خبر یا قضیه آن چیزی است که احتمال صدق و کذب دارد. و تعریف شامل تمامی قضایای یقینی، مشکوک، مظنون و موهوم است و قضیه‌ای نیست که از این محدوده خارج باشد.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- به عبارت دیگر با وجود این که قضایای یقیناً صادق، حتماً مطابق با واقعند و قضایای یقیناً کاذب، حتماً مطابق با واقع نیستند، اما از آنجا که دو چیز یعنی صورت و صاحب صورت یا حاکی و محکی در آنها وجود دارد، احتمال صدق و کذب نیز در آنها متصور است. حتی قضایای بدیهی و ابده بدیهیات یعنی قضیه‌ی امتناع اجتماع و ارتفاع دو نقیض نیز از این قاعده مستثنی نیست. این قضایا مفهوم و صورت‌هایی هستند که از واقعیاتی حکایت می‌کنند و از آنجا که صورت و صاحب صورت وجود دارد، امکان ذاتی خطا در آنها هست و احتمال صدق و کذب دارند.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- امکان ذاتی خطا با تحقق شیء از بین نمی‌رود. یعنی در علم حصولی حتی اگر قضیه یقیناً صادق باشد، امکان ذاتی خطا وجود دارد، همچنان که در صورت کذب یقینی قضیه، امکان ذاتی صدق وجود دارد.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- بدیهی است در علم حصولی سخن از احتمال خطا است نه ضرورت خطا. بنابراین ممکن است اصلاً یک علم حصولی هیچ وقت مخالف واقع نباشد؛ چنانچه در قضایای یقیناً صادق و قضایای یقیناً کاذب اینچنین است. اگر قوه‌ی حس، خیال و عقل هر کدام در حوزه‌ی خویش درست عمل کنند، صورت‌های حاصل از آنها همیشه مطابق با واقع خواهد بود و دچار خطا نمی‌شود.
- با این بیان روشن می‌گردد که در علم حضوری اصلاً امکان خطا نیست. زیرا در این علم هیچ دوئیتی وجود ندارد؛ خود معلوم نزد عالم حاضر است.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- حال با توجه به این مقدمه جا دارد پرسیم: وحی از سنخ کدام علم است؟ آیا وحی از سنخ علم حضوری است یا از سنخ علم حصولی؟ در صورت اول امکان ذاتی خطا از بین می‌رود و وحی از خطا مبرا خواهد بود، اما در صورت دوم امکان ذاتی خطا وجود دارد.



## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- ادعا این است که وحی از سنخ علم حضوری می‌باشد و خود آنچه وحی می‌شود، بدون واسطه در نفس و روح پیامبر، ایجاد می‌گردد. همان طور که در بحث‌های کلامی «کلام و متکلم بودن» خداوند نیز به همین شکل تصویر می‌شود. البته نظرات مختلفی در مورد این صفت الهی ارایه شده است اما نهایتاً نظر صحیح این است که خداوند همان چیزی را که ما با ابزارهای خویش، دریافت می‌کنیم و صورتش را بعد از انتقالات در ذهن داریم، در روح شنونده‌ی او ایجاد می‌کند.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- در تکلم‌های بشری، متکلم با ابزارهای صوتی خویش، اصواتی را ایجاد می‌کند که باعث ارتعاش هوا می‌شود. هوای مرتعش شده به گوش شنونده می‌رسد و پرده‌ی گوش او را مرتعش می‌سازد. با رسیدن پیام این ارتعاش به مغز، امکان شنیدن صدای متکلم برای مخاطب فراهم می‌گردد و او صورتی از صدای متکلم را دریافت می‌کند. اما مخاطب، خود صدای متکلم را نمی‌یابد، بلکه فقط تصویر و صورتی از صدای متکلم را در نزد خود دارد که چون مطابق با واقع است، گویا خود آن را می‌یابد.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- در فرایند دیدن نیز بیننده مستقیماً علم به اشیای اطراف خود پیدا نمی‌کند. علم او به اشیای مرئی از طریق صورت‌هایی است که در ذهن وی وجود دارد. حتی اگر او اشیا را نیز لمس کند، صرفاً اطلاعاتی را کسب می‌نماید که از طریق لمس به او رسیده است و در واقع صورت ملموسی از آن شیء در اختیار او است.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- بنابراین برای بشر عادی فقط صورت‌های مشموم، مذوق، مسموع، مرئی و ملموس اشیا ممکن است و واقع آن اشیا از دسترس روح بشر خارج است. بشر از طریق واسطه با واقع مرتبط می‌شود و البته چون معمولاً به واسطه توجه ندارد گمان می‌کند که خود آن شیء را می‌بیند، یا می‌شنود، یا می‌بوید، یا می‌چشد، یا لمس می‌کند.
- ادراک بشر نسبت به صورت حضوری است اما ادراک او نسبت به صاحب صورت حصولی است. ادراک خود صورت، دیگر واسطه ندارد اما ادراک صاحب صورت از طریق صورت حاصل می‌شود.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- حال در یک گفتگوی عادی، متکلم معنایی را قصد می‌کند، سپس لفظی را برای آن معنا انتخاب می‌نماید و آن را بر زبان جاری می‌کند. شنونده آن لفظ را می‌شنود و صورتی از آن در ذهنش نقش می‌بندد و از آن به معنا منتقل می‌شود. در تمام این مراحل احتمال خطا از طرف متکلم یا مخاطب وجود دارد. ممکن است متکلم در انتخاب لفظ یا در تلفظ آن دچار خطا شود؛ همچنان که ممکن است شنونده در شنیدن یا در انتقال از لفظ به معنا مرتکب خطا شود. اما اگر متکلم این قدرت را داشته باشد که خود معنا را در ذهن مخاطب خلق و ایجاد نماید، خطا هم وجود ندارد.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- در موارد وحی خداوند آنچه را که وحی می‌شود به نفس پیامبری که به او وحی می‌رسد، ایجاد می‌کند. در واقع خداوند، خود لفظ (اگر وحی لفظ دارد) یا خود معنا و یا واقعیتی را که می‌خواهد به پیامبر خویش القا نماید، در نفس پیامبر ایجاد می‌کند و پیامبر با وساطت چیزی به لفظ یا معنا منتقل نمی‌شود.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- آن امر ایجاد شده حتی اگر لفظ هم باشد از سنخ مادی نیست؛ بلکه همان گونه که صورت لفظ برای بشر عادی به علم حضوری موجود است و امری مجرد به حساب می‌آید، آن لفظ یا آن معنای ایجاد شده نیز امری مجرد است و خود آنها در نزد پیامبر حاضر است. خداوند صوتی را در خارج ایجاد نمی‌کند تا پیامبر آن صوت را به علم حصولی دریافت نماید که اگر این گونه بود، احتمال خطا در وحی می‌رفت.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- علامه طباطبایی در ذیل آیه‌ی محکم و متشابهه وقتی به توضیح معنای تفسیر و تأویل و تفاوت آنها می‌پردازد، می‌گوید: تأویل آیات از سنخ معنا نیست، تأویل، واقع خود آیه است.



## ادلة مصونيت وحى از خطا

- فقد تبين بما مر: أولاً: أن كون الآية ذات تأويل ترجع إليه غير كونها متشابهة ترجع إلى آية محكمة.
- و ثانياً: أن التأويل لا يختص بالآيات المتشابهة بل لجميع القرآن تأويل فلا آية المحكمة تأويل كما أن للمتشابهة تأويلاً.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- و ثالثاً: أن التأويل ليس من المفاهيم التي هي مداليل للألفاظ بل هو من الأمور الخارجية العينية، و اتصاف الآيات بكونها ذات تأويل من قبيل الوصف بحال المتعلق،
- و أما إطلاق التأويل و إرادة المعنى المخالف لظاهر اللفظ، فاستعمال مولد نشأ بعد نزول القرآن لا دليل أصلاً على كونه هو المراد من قوله تعالى: وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ الْآيَةَ، كما لا دليل على أكثر المعاني المذكورة للتأويل مما سنقله عن قريب.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- قوله تعالى: وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ، ظاهر الكلام رجوع الضمير إلى ما تشابه، لقربه كما هو الظاهر أيضا في قوله: وَ ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ، و قد عرفت أن ذلك لا يستلزم كون التأويل مقصورا على الآيات المتشابهة. و من الممكن أيضا رجوع الضمير إلى الكتاب كالضمير في قوله: ما تشابه منه.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- و ظاهر الحصر كون العلم بالتأويل مقصورا عليه سبحانه و أما قوله: وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ، فظاهر الكلام أن الواو للاستيناف بمعنى كونه طرفاً للترديد الذي يدل عليه قوله في صدر الآية: فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ، و المعنى: أن الناس في الأخذ بالكتاب قسمان: فمنهم من يتبع ما تشابه منه و منهم من يقول إذا تشابه عليه شيء منه: آمناً به كل من عند ربنا، و إنما اختلفا لاختلافهم من جهة زيغ القلب و رسوخ العلم.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- علی أنه لو كان الواو للعطف و كان المراد بالعطف تشريك الراسخين في العلم بالتأويل كان منهم رسول الله ص و هو أفضلهم و كيف يتصور أن ينزل القرآن على قلبه و هو لا يدري ما أريد ب

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- حضرت علامه در ذیل آیه:
- وَ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بَأْذَنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ (شوری، ۵۱)
- نیز به بحث حقیقت وحی می‌پردازد، می‌گوید: در هنگام وحی نفس پیامبر به دلیل ارتقای معنوی، به مقام و منزلتی می‌رسد که می‌تواند دریافت کننده‌ی الفاظ یا ظرف آنها باشد. یعنی پیامبر به الفاظ، معانی و واقع آیات، علم حضوری دارد.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- لازم است در اینجا اشاره کنیم که اموری مثل وحی را که یک امر خارج از چارچوب عادی زندگی بشری و حیات طبیعی است و آیات قرآن و کلمات معصومان علیهم السلام به انحاء گوناگون از آن تعبیر کرده‌اند، به دو گونه می‌توان تفسیر نمود:

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- یک تفسیر، تفسیری است که تصور آن برای بشر ساده است، اما چندان دقیق نیست و واقعیت مطلب را بیان نمی‌کند. این تفسیر در حد تصویر مطلب خوب است و همان چیزی است که عموماً از تصویر وحی وجود دارد.



## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- اغلب وحی را این گونه معنا می‌کنیم: خداوند اراده می‌کند پیامی را به پیامبر خویش بفرستد. این پیام را به فرشته‌ای می‌دهد تا همچون کبوتری که مأمور بردن پیامی است، پیام خداوند را به رسولش برساند. در این تصویر، فرشته نیز همچون کبوتر نامه‌رسان تلقی می‌شود.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- اگر ما باشیم و این تصویر، جایی برای بحثی که در دلیل چهارم ذکر کردیم، باقی نخواهد ماند و در نتیجه محکم‌ترین دلیل، همان دلیل حکمت خواهد بود. اما پدیده‌ی وحی چیزی دقیق‌تر از این است.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

● در آیات قرآن مکرراً ذکر می‌شود که پیامبر یک بشر است، اما بشری که در اوجی از صعود قرار دارد و می‌تواند وحی را دریافت کند. او ظرف ظهور الفاظ، معانی و حقایق است و وحی حقیقتی است که بر نفس و روح او وارد می‌شود.

● قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا (الكهف، ۱۱۰)

● قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَ وَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ (فصلت، ۶)

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- در این صورت فرشته و واسطه‌گری او معنای عمیق‌تری پیدا می‌کند. فرشته وجودی وسیع‌تر از عالم ماده دارد و تمامی تعابیری که در مورد او حتی در آیات و روایات است.
- قبل از بحث عصمت پیامبر، باید بحث‌های مربوط به خداشناسی را تنقیح نماییم؛ زیرا بحث عصمت به آنها وابستگی دارد.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- همان گونه که هر یک از ما برای رساندن پیام خود به دیگران اولاً از فرد مورد اعتماد و ثانياً از طریقی که احتمال خطا در آن کمتر است، بهره می‌گیریم. البته چون ناتوان هستیم و در وجود محدودیم، ممکن است با تمام دقت‌هایی که می‌کنیم، در انتخاب فرد یا انتخاب راه اشتباه نماییم؛ اما حکمت ما اقتضا می‌کند که حتی المقدور بهترین شخص و بهترین راه را برگزینیم.
- علت ساده‌تر بودن این دلیل، کم بودن مقدماتی است که بر آنها توقف دارد.
- مراد از صورت فقط صورت مرئی (صورتی که از راه حس بینایی حاصل می‌شود) نیست. ما از تمامی آنچه از طریق اعضای پنجگانه‌ی حسی دریافت می‌کنیم، صورتی داریم. از این رو، با استشمام بویی حکم می‌کنیم که این بو مثلاً بوی گل سرخ است، چرا که قبلاً صورتی از بوی گل سرخ در ذهن نقش بسته و ذهن در مقایسه‌ی صورت حاصل از بوی جدید با صورت مخزون از بوی قدیم، به چنین حکمی دست یازیده است.
- همان گونه که ممکنات بعد از تحقق همچنان در ذات خویش ممکنند و با تحقق، امکان ذاتی از بین نمی‌رود.

## ادله‌ی مصونیت وحی از خطا

- از این رو، همان طور که در بحث عصمت بیان می‌نماییم، اگر علم معصومان علیهم السلام از سنخ علم حصولی هم باشد، باز معنا دارد که بگوییم: گرفتار خطا نمی‌شوند؛ چرا که نهایتاً امکان ذاتی خطا وجود دارد، نه ضرورت خطا.
- اوست کسی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد، پاره‌ای از آن، آیات محکم است. آنها اساس کتابند و پاره‌ای دیگر متشابهاًند. اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن، از متشابه پیروی می‌کنند، با آن که تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند (آل عمران، ۷).
- برخی مفسران به بحث تأویل و تفسیر قرآن و تفاوت آن دو پرداخته‌اند؛ اما در واقع معنایی که برای تأویل ذکر کرده‌اند، با معنای تفسیر، تناسب دارد. آنها در مشهورترین معنایی که بیان نموده‌اند، تفسیر را بیان معنایی آشکار و تأویل را بیان معنایی پنهان، دانسته‌اند. علامه طباطبایی در المیزان ذیل آیه‌ی آل عمران، ۷، به نقل اقوال مختلف و نقد آنها پرداخته و نظر خویش را بیان نموده است (ر.ک: علامه طباطبایی، المیزان، ج ۳، صص ۴۴ - ۴۹؛ و مهدی هادوی تهرانی، مبانی کلامی اجتهاد، بحث تفسیر، تأویل).
- یکی از بزرگان چند سال پیش در یک سخنرانی عمومی وقتی می‌خواست شباهت انسان را به اجدادش از طریق آیات و روایات به تصویر بکشد، چیزی شبیه همین تلقی‌های ساده را بیان فرمود. وی گفت: وقتی نطفه منعقد می‌شود، فرشتگانی مأمور چهره‌ی او می‌شوند. آنها عکس‌هایی از اجداد این نطفه را جلوی خویش می‌گذارند و به چهره‌نگاری بر اساس آن عکس‌ها می‌پردازند. از این رو، یک انسان در برخی اعضا شبیه بعضی اجداد و در برخی دیگر شبیه برخی دیگر از اجداد خویش است.
- «قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی» (کهف، ۱۱۰).